

درس چهارم

عناصر داستان (۳):

حل مسئله و آخر داستان



دانش‌آموزان با خواندن هر داستان عناصر مسئله و آخر و ترتیب و توالی آن‌ها را در داستان تشخیص دهند.

دانش‌آموزان عناصر حل مسئله و آخر داستان را بازگو کنند.

دانش‌آموزان عناصر حل مسئله و آخر داستان را بنویسند.

دانش‌آموزان داستان را برای دیگران تعریف کنند. سرواژه‌ی آمحا مخفف واژه‌های آغاز، مسئله، حل مسئله و آخر داستان است.

باهم بیاموزیم (فعالیت‌های کلاسی)

معلم از کتاب‌های داستان یا داستان‌های تصویری برای اجرای فرایند یاددهی - یادگیری استفاده می‌کند. در تعامل با دانش‌آموزان داستانی آشنا و مورد علاقه‌ی آن‌ها را انتخاب و بر نام داستان تأکید می‌کند. سپس خودش یا یکی از دانش‌آموزان آن را برای دیگران تعریف می‌نماید. معلم شکل نمادین و کارت نوشتاری عناصر حل مسئله و آخر داستان را که از قبل آماده کرده است، به دانش‌آموزان نشان می‌دهد و پرسش‌هایی مرتبط با این عناصر می‌پرسد و به این ترتیب با جلب توجه دانش‌آموزان به این عناصر، آن‌ها را برای دادن پاسخ مناسب هدایت می‌کند، درباره‌ی داستان مهمان‌های ناخوانده پرسش‌های مناسب این‌ها است:

حل مسئله در داستان چگونه بود؟ حیوانات در خانه‌ی مادر بزرگ را زدند و به داخل خانه رفتند. خودشان را خشک کردند، غذا خوردند و خوابیدند.

آخر داستان چه شد؟ آن‌ها تصمیم گرفتند از آن به بعد با مادر بزرگ زندگی کنند.

لازم است جایگاه درست عناصر حل مسئله و آخر داستان برای دانش‌آموزان با تأکید بیانی و رنگ‌های مختلف هنگام نوشتن برجسته شوند. به این ترتیب دانش‌آموزان متوجه می‌شوند که در هر داستان، مسئله (مشکل) را شخصیت‌ها حل می‌کنند و داستان به پایان می‌رسد.



۱. ببینید، بشنوید و بگویید.

پاکیزگی



همکار و والدین گرامی، برای انجام این تمرین به روش زیر عمل کنید:

۱. همانند درس دوم با نگاه کردن به تصویرها، توجه به نام داستان، تعریف داستان و تأکید روی این موضوع که در ابتدای هر داستان می‌توانیم عبارت‌هایی مانند «یکی بود، یکی نبود و ...» را هنگام تعریف داستان بگوییم، انجام دهید.
۲. پس از مرور آموزش‌های قبلی و اطمینان از درک و بیان عناصر آغازین و مسئله‌ی داستان، این بار توجه دانش‌آموزان را به چگونگی حل مسئله و اینکه داستان چگونه پایان یافته است، جلب می‌کنیم و بدین ترتیب به شناسایی عناصر یا قسمت‌های دیگر یک داستان که همان «حل مسئله‌ی داستان» و «آخر داستان» است، هدایت می‌شوند.
۳. با نشان دادن شکل نمادین مربوط به عناصر داستان، همراه با پرسش و پاسخ که حل مسئله در داستان چگونه است؟ حل مسئله چه بود؟ آخر داستان چه شد؟ به درک و دریافت دانش‌آموزان از وجود و به‌کارگیری قسمت مربوط به «حل مسئله‌ی داستان» و «آخر داستان» کمک کنید، بدین ترتیب عناصر یا قسمت‌های دیگر داستان که همان «حل مسئله‌ی داستان» و «آخر داستان» است به دانش‌آموزان معرفی می‌شود.
۴. دانش‌آموزان را راهنمایی کنید دوباره داستان را تعریف کنند و با توجه به عناصر آغازی، مسئله، حل مسئله و آخر داستان پرسش و پاسخ انجام دهند.
۵. هم‌معنایی کلمه‌ها و ترکیب‌های حل مسئله، حل مشکل، راه‌حل مسئله یا مشکل، آخر، پایان یا تمام شدن داستان را به دانش‌آموزان یادآور شوید.
۶. توجه دانش‌آموزان را به سر واژه‌ی «آحا» جلب کنید و با چگونگی استفاده از آن برای یادآوری عناصر داستانی آشنایشان کنید.



همکار گرامی! همانند دو درس گذشته، دانش آموزان به تصویرها با دقت نگاه کنند. همه‌ی عناصر داستان از جمله «حل مسئله و آخر داستان» را در متن داستان و کادرهای نوشتاری شناسایی کنند. با پرسش و پاسخ درباره‌ی چگونگی حل مسئله و اینکه چه راه‌حلی برای حل مشکل در داستان پیدا شده و آخر داستان چه می‌شود، به درک و دریافت دانش آموزان کمک کنید. رونویسی داستان (در صورت امکان چندرنگ‌نویسی مطابق نوشتار کتاب) در منزل توصیه می‌شود و بر توالی و ویژگی‌های انسجامی داستان تأکید گردد.

۲. با هم بخوانیم.

آتش‌سوزی



آغاز داستان

شخصیت(های) اصلی داستان: زهرا و فاطمه
 زمان داستان: دیروز
 مکان داستان: خیابان، خانه
 کاری که شخصیت اصلی داستان در ابتدا انجام می‌دهد:
 از خیابان عبور می‌کردند تا به خانه بروند.



مسئله‌ی داستان: آن‌ها خانه‌ای را دیدند که آتش گرفته است.

حل مسئله‌ی داستان: برای همین فاطمه به ۱۲۵ تلفن کرد و آتش‌نشان‌ها آمدند.

آخر داستان: در آخر آتش را خاموش کردند.

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود. زهرا و فاطمه دیروز از خیابان عبور می‌کردند تا به خانه بروند. یک‌دفعه آن‌ها خانه‌ای را دیدند که آتش گرفته است. برای همین فاطمه سریع به ۱۲۵ تلفن کرد و آتش‌نشان‌ها آمدند. در آخر آن‌ها آتش را خاموش کردند.

۳. به تصویرها نگاه کنید و متن داستان را بخوانید و عناصر داستان را در جاهای خالی بنویسید.



شستن لباس



یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. زهرا در یک روز پاییزی در اتاقش نقاشی می کرد. ناگهان رنگ روی لباس زهرا ریخت و لباسش کثیف شد. **زهرا لباسش را شست و روی بند پهن کرد. در پایان لباس او تمیز و خشک شد.**

..... شخصیت اصلی داستان :

..... زمان داستان :

..... مکان داستان :

..... کاری که شخصیت اصلی داستان در ابتدا انجام می دهد:

آغاز داستان

..... مسئله داستان:

..... حل مسئله داستان:

..... آخر داستان:

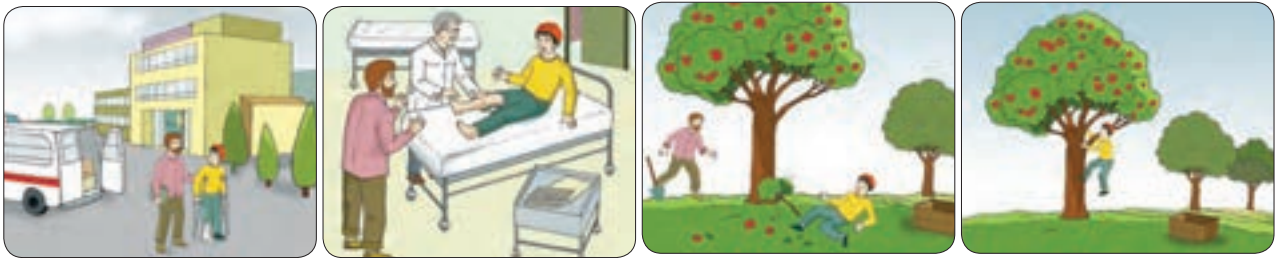
همکار گرامی! از دانش آموزان بخواهید ابتدا به صورت شفاهی و با استفاده از مهارت خوانداری به پرسش و پاسخ با یکدیگر بپردازند، سپس پاسخ پرسش‌ها را بنویسند و داستان را برای یکدیگر بازگو کنند.



۴. به تصویرها نگاه کنید. متن داستان را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.



محسن و درخت سیب



یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. محسن صبح زود به باغ رفت. او می خواست سیب بچیند برای همین از درخت بالا رفت. اما از بالای درخت افتاد و پایش درد گرفت. پدرش با عجله او را به بیمارستان برد و دکتر پایش را درمان کرد. از آن به بعد محسن تصمیم گرفت دیگر هیچ وقت از درخت بالا نرود.

شخصیت(های) اصلی داستان چه کسی است؟

زمان داستان چه وقت است؟

مکان داستان کجا است؟

چه کاری شخصیت اصلی داستان در ابتدا انجام داد؟

آغاز داستان

مسئله‌ی داستان: چه مسئله‌ای در داستان اتفاق افتاد؟

حل مسئله‌ی داستان: حل مسئله در داستان چگونه بود؟

آخر داستان: آخر داستان چه شد؟

۵. به تصویرها خوب دقت کنید. متن داستان را بخوانید. به پرسش‌ها با توجه به تصویر و متن پاسخ دهید.



پر خوری



یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود. سنجاب کوچولو یک شب در مهمانی مقدار زیادی گردو و بادام خورد. برای همین سنجاب کوچولو دلش درد گرفت. بلافاصله مادرش او را به بیمارستان برد. دکتر به سنجاب کوچولو دارو داد. در پایان داستان سنجاب کوچولو حالش خوب شد و تصمیم گرفت دیگر پر خوری نکند.

شخصیت(های) اصلی داستان چه کسی است؟
 زمان داستان چه وقت است؟
 مکان داستان کجا است؟
 چه کاری شخصیت اصلی داستان در ابتدا انجام داد؟

آغاز داستان

مسئله‌ی داستان: چه مسئله‌ای در داستان اتفاق افتاد؟

حل مسئله‌ی داستان: حل مسئله در داستان چگونه بود؟

آخر داستان: آخر داستان چه شد؟

۶. متن داستان را بخوانید و با توجه به داستان مورد نظر، عناصر داستان را بنویسید.



گم شدن در پارک

سارا و تینا پنجشنبه با مادرشان برای گردش به پارک رفتند و در پارک تاببازی کردند. ناگهان یک سگ به آن‌ها نزدیک شد. آن‌ها فرار کردند ولی گم شدند. بعد مادر سارا و تینا دنبالشان گشت و آن‌ها را پیدا کرد. در آخر همه به خانه رفتند.

.....	شخصیت(های) اصلی داستان :
.....	زمان داستان:
.....	مکان داستان:
.....	کاری که شخصیت(های) اصلی داستان در ابتدا انجام می‌دهد:

آغاز داستان

..... مسئله‌ی داستان:

..... حل مسئله‌ی داستان:

..... آخر داستان:

۷. داستان را بخوانید و عناصر داستان را تشخیص دهید و به عبارت مناسب وصل کنید.



احمد در مدرسه‌ی جدید

احمد امسال به مدرسه‌ی جدیدی می‌رود. اما مشکل این است که او هیچ دوستی در آنجا ندارد. برای همین احمد فکر کرد وقتی به مدرسه می‌رسد به بچه‌ها لبخند بزند و سلام کند. در آخر با این کار، او توانست با بچه‌ها دوست بشود و با آن‌ها بازی کند.

وقتی به مدرسه می‌رسد به بچه‌ها لبخند بزند و سلام کند.

آغاز داستان

احمد امسال به مدرسه‌ی جدیدی می‌رود.

مسئله‌ی داستان

او می‌تواند با بچه‌ها دوست شود و با آن‌ها بازی کند.

حل مسئله

او هیچ دوستی در آنجا ندارد.

آخر داستان

والدین گرامی! داستانی را برای فرزندتان بخوانید. در زمان تعریف با گفت‌وگوی دوفره دربارهی اینکه چه کسی، چه زمانی، کجا، چه کاری در ابتدای داستان انجام می‌دهد، چه مسئله‌ای رخ می‌دهد، شخصیت داستان آن را چگونه حل می‌کند و چه اتفاقی در آخر داستان می‌افتد، او را از قسمت‌های مختلف یک داستان آگاه کنید. این فرصت را به او بدهید تا او نیز با توجه به تصاویر داستان از شما سؤال کند و آن را بازگو نماید.



۸. متن داستان را بخوانید و عناصر داستان (آمجا) را مشخص کنید.



خرس کوچولو

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. خرس کوچولو در یک روز گرم تابستان در جنگل کندوی عسلی دید. خرس کوچولو می خواست عسل بخورد. برای همین دستش را داخل کندو کرد. یک دفعه همه ی زنبورها به او حمله کردند و نیشش زدند. خرس کوچولو به طرف رودخانه فرار کرد و داخل آب پرید. آخر داستان زنبورها رفتند و خرس کوچولو از آب بیرون آمد.

.....
.....
.....
.....
.....

آغاز داستان

.....

مسئله ی داستان:

.....

حل مسئله ی داستان:

.....

آخر داستان:

